

## سفینه تبریز و رسمیت مذهب شیعه در ایران

● رحیم نیکبخت

● منیژه صدری، عضو هیأت علمی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر



■ سفینه تبریز

■ ابوالمحمد محمدبن مسعود تبریزی

■ به مقدمه عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی

■ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ۷۲۴ صفحه

### مقدمه

در پژوهش‌های جدیدی که در مورد تاریخ صفویه صورت گرفته است، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای صفویان «گسترش مذهب تشیع در مقام رسمی کشور» ایران عنوان می‌شود.<sup>۱</sup> این اقدام مهم که توسط شاه اسماعیل صفوی به انجام رسید، در اغلب منابع به اختصار بیان شده است؛ مثلاً سام میرزا صفوی، یکی از فرزندان شاه اسماعیل، در تحفه سامی در نهایت اختصار می‌نویسد: «در سنه سبع و تسعمایه (۹۰۷) در حوالی شهر شرور بر الوندبیک آق قویونلو غالب آمد و سکه و خطبه اسامی نامی ائمه هدی به فرالقباب نواب و علی زینت گرفت»<sup>۲</sup> آنچه در منابع مسطور است، حکایت از آن دارد نه نویسندگان معاصر شاه اسماعیل و نه نویسندگان متأخر آن دوره<sup>۳</sup>، به اهمیت این اقدام در تاریخ تحولات بعدی ایران توجه کافی نداشته‌اند و چنان که خواهیم دید با اختصار از آن گذاشته‌اند؛ در این بحث، فرصت کافی و مجال لازم برای پرداختن به دلایل گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع وجود ندارد؛ ولی ضرورت انجام پژوهش‌هایی در موضوعاتی چون «تشیع در آذربایجان»، در شرایط کنونی به شدت احساس می‌شود.<sup>۴</sup> زیرا گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع از موضوعات مهمی است که برای ریشه‌یابی اقدام سرنوشت‌ساز مؤسس سلسله صفویه قابل توجه است.

از آن زمان به این سو، مذهب شیعه به عنوان یکی از ارکان مهم هویت ملی ایرانیان ضامن وحدت ارضی بوده است. در زمانی که امپراطوری عثمانی در تدارک گسترش قلمرو خود در فلات ایران بود، مذهب شیعه به عنوان مهم‌ترین عامل، ایران و ایرانیان را در مقابل هجوم‌های سهمگین آنان یارای ایستادگی داد.

گرچه حاکمان ایران، در اواخر صفوی و حکومت‌های بعدی از توجه به این موضوع مهم غافل بودند و بر همین اساس قسمت‌های زیادی از ایران جدا شد، باز هم دوام و بقای کشور پهناور ایران و حفظ تمامیت ارضی آن به این رکن هویت ایرانی بازمی‌گردد؛ هویتی که در خون و رگ ایرانیان به ویژه آذربایجانی‌ها ریشه دارد.

### رسمیت مذهب شیعه در تبریز

مهم‌ترین اقدام شاه اسماعیل صفوی، آن هم در اولین روزهای آغاز سلطنت خود و پایه‌گذاری دولت نوپای صفوی در ایران، اعلام رسمیت مذهب شیعه در تبریز بود. امیرمحمود خواندامیر در عبارت متکلفانه بیان می‌کند:

«روزی که در سلک ایام مذکور انتظام داشت، به مقصد رسیده رایت سلطنت برافراشت و به ایقاد نیران سیاست و افاضه انور کیاست خانه ظلم تراکمه را فسحت آن مملکت مفقود و نابود گردانید و سر منابر و روی دنانیر به اسامی سامی ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین رتبت و زینت بخشید.»

وی در ادامه مطلب خود، به دستور شاه جهت تغییر محراب معابد و مساجد اهل سنت اشاره افزوده شدن کلمه «شهدان علیاً ولی الله» «حی علی خیرالعمل» به اذان را نوشته است.<sup>۵</sup> قاضی احمد غفاری قزوینی هم می‌نویسد: «اسماعیل صفوی پس از غلبه بر الوند، وارد تبریز شد و آن زمستان قشلاق را در آنجا سپری کرد. «رؤس منابر و وجوه دنانیر به اسامی حضرات ائمه هدی علیهم افضل الصلوه و نام نامی آن حضرت مزین گشت و همچنین خطبای اسلام و سایر فرق انام زبان به طعن و لعن مخالفان دین و معاندان اهل بیت گشادند.» قاضی احمد به تلاش‌های صورت گرفته از عصر مختار ثقفی تا روزگار معزالدوله، و دوران سلطان محمد خدابنده و سلطان حسین بایقرا جهت رسمیت مذهب شیعه اشاره می‌کند و دو ویژگی برای اقدام شاه اسماعیل عنوان می‌سازد:

«تا آن که حضرت شاه غفران پناه به محض تأیید الهی و توفیقات نامتناهی با وجود صغر سن، بر دو امر غریب و دو مدعای عجیب که یکی از آن دیگری اغرب است موفق گشتند: اول مهم سلطنت صوری که از عهد حضرت امیرالمؤمنین هیچ کس از حضرات علویه در ایران بدان فائز نشده بودند. دیگری در بدو دولت، مذهب حقی را که در این نهمصد سال در پس پرده حجاب مانده بود به احسن وجهی تقویت



مسجد کبود - تبریز

**مذهب شیعه به عنوان یکی از ارکان مهم هویت ملی ایرانیان ضامن وحدت ارضی بوده است. در زمانی که امپراطوری عثمانی در تدارک گسترش قلمرو خود در فلات ایران بود، مذهب شیعه به عنوان مهم‌ترین عامل، ایران و ایرانیان را در مقابل هجوم‌های سهمگین آنان یارای ایستادگی داد**

و تمسیت نمود. احدی را حد و یارای آن نبوده که در مقام ممانعت آید.»<sup>۶</sup> عبدی بیک شیرازی (نویدی) هم در تکملة الاخبار قبل از پرداختن به اعلام رسمیت مذهب شیعه در تبریز، به نکته جالبی اشاره می‌کند که اهمیت زیادی دارد. اسماعیل صفوی پس تصرف شامخی «که غازیان حیدری در مذهب شیر شکار شمشیر ذوالفقار آثار بر یزدیان ساسانی تبار شروان شاه نهاد. فرخ یسار را با عیان اشرار آن دیار معروض شمشیر آبدار ساختند» متوجه گیلان شد و قشلاق را در محمود آباد گذراند در آنجا امیر زکریای تبریزی کججی از وزرای دوران ترکمانان را به وزارت خود برگزید عبدی بیک شیرازی در وصف امیر زکریا می‌نویسد:

«بنابر سابقه دولت ازلی که در سرشتش بود و اعتقادی که به خاندان نبوت و ولایت داشته چه او نیز از فرزندان شیخ محمد کججی بود که دم از ولایت اهل بیت و توسل بدان سلسله می‌زده، از طایفه باطله اعراض نمود. روی به طایفه محقه نهاد و به شرف زمین‌بوس رسید. منصب وزارت یافت و نواب صاحب قرانی او را «کلید آذربایجان» خواندند و بعد از آن بادکوبه را حصار کردند.»<sup>۷</sup>

انتصاب یکی از نوادگان شیخ محمد کججی تبریزی - از عرفای مشهور قرن هفتم تبریز که با سیزده پشت به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسید - به مقام وزارت شاه اسماعیل صفوی آن هم قبل از تصرف تبریز و اعلام رسمیت مذهب شیعه، از آن جهت اهمیت دارد که نبایستی این اقدام اسماعیل را فقط به «شور مذهبی و غرور جوانی»<sup>۸</sup> نسبت داد بلکه عناصر پرقدرت و پرنفوذ دیوان‌سالاری ایرانی هم در این امر دخالت داشته‌اند.

نویدی بیک شیرازی هم چون قاضی احمد غفاری به پیشینه حرکت شاه جوان صفوی از عصر مختار ثقفی تا آن زمان می‌پردازد و می‌نویسد:

«... این توفیق شد که سکه و خطبه به نام ائمه هدی مزین

ساخت و غلغله تیرا در گنبد فیروزه‌گون انداخت و مذهب حق شیعه امامیه اثنی‌عشریه را که در زمان ائمه معصومین در لباس تقیه مستور بود ظاهر و شایع گردانیده شمشیر خوارچی کش بر افراخت و روی زمین از متمردان برداخت و این مذهب آن چنان رواج گرفت که حال به دولت شاه دین پناه ابوالمظفر شاه طهاسب در ممالک غیر محروسه آن حضرت نیز بی‌مزاممی معمول است.»<sup>۹</sup> در حبیب‌السیر هم مسطور است:

«روزی که داخل ایام سته ست و تسمع مائه بود... در ساعتی سعادت‌بخش و زمانی میمنت‌نشان اورنگ سلطنت و جهانیانی از یمن قدم آن آفتاب اوج کاهرانی در علو قدر از سپهر برین برتر آمد... چون همگی همت عالی نهمت شاهی بر تقویت مذهب علیه امامیه و تمسیت مهام شریعت مطهره مصطفویه مصروف و مقصور است، هم در اول جلوس همایون فرمان واجب الادعایان به شرف نفاذ پیوست که خطبای ممالک آذربایجان خطبه به نام ائمه اثنی‌عشر سلام‌الله علیهم الی یوم الحشر خوانند.»<sup>۱۰</sup>

کامل‌ترین متن شامل جزئیات بیشتری از چگونگی اعلام رسمیت مذهب شیعه در تبریز، کتاب «عالم آرای شاه اسماعیل» از مؤلفی گمنام است. قبل از مرور این روایت تا حدی جزئی‌تر، لازم به توضیح است در مورد تاریخ تشکیل دولت صفوی و تاریخ زندگانی مؤسس آن به جهت ویژگی‌هایی چون شهامت، شجاعت، دعوی سیدت، رسمیت دادن مذهب خاندان اهل بیت (ع)، صغر سن و سرگذشت پرفراز و نشیب... مورد توجه عموم مردم قرار گرفت، در تکمیل این قبیل

## نادیده گرفتن گرایش ایرانیان به تشیع و خاندان اهل بیت (ع) و نسبت دادن شیعه شدن ایرانیان فقط به زور و ضربه شمشیر، یا به عبارتی «بی‌رحمی‌های سنگدلانه» تحریف بخشی از تاریخ است

عمومی برخی آثار توسط تشکیلات فرهنگی و دیوانی حکومت نوپا یا مریدان صفویه خلق گردید که نه کتاب صرف تاریخی بلکه داستانی تاریخی از این ظهور شگفت‌انگیز را شامل می‌شد. جذابیت این گونه منابع، به تعبیر ساده و روان و روایت عامیانه شده با ویژگی‌های داستانی بازمی‌گشت. پرداختن به زوایای تاریک برخی از حوادث در کنار روایت داستانی وقایع تاریخی از محاسن این آثار است که نشان می‌دهد تدوین‌کنندگان آنها داستان‌پرداز صرف نبوده بلکه از وقایع ریز تاریخی هم اطلاع داشته‌اند. عالم آرای شاه اسماعیل صفوی از زمره این آثار است.<sup>۱۱</sup>

در روایتی که این کتاب ارائه می‌دهد تصور آن که پیرایه‌های داستانی بر اصل واقعه افزوده شده باشد، می‌رود.

«... اما امرای نامدار به عرض رسانیدند که از اکثر مردم می‌شنویم که می‌گویند ما پادشاه شیعه نمی‌خواهیم ... و اگر رعیت و سپاهی ... نمودن ما پادشاه شیعه نمی‌خواهیم ... و اگر رعیت و سپاهی ... به یاری حضرت ائمه از کسی باکی ندارم. اگر هم حرفی بزنند به عون الله تعالی شمشیر کشیده یک تن را زنده نخواهم گذاشت. انشاءالله تعالی روز جمعه خود بر منبر رفته خطبه اثنی‌عشر را می‌خوانم. اما در فکر بود و می‌دانست که امرای راست می‌گویند و چون شب به خواب رفت، حضرت امیرالمومنین (ع) به آن شه‌ریار فرمود که ای فرزند دغدغه به خاطر مرسا و در روز جمعه بفرمای که قزلباش تمام براق بیوشند و در میان هر کس از مردم تبریز یک نفر قزلباش قرار گیرند و در آن وقت خطبه بخوان و هر کس که خواسته باشد که حرکت کند قزلباش آن را به قتل رسانند و به این تدبیر خطبه بکن. و نواب همایون از خواب بیدار گردید. فرمود که حسین‌بیک الله و حلوچی اعلی با امرای عظام را طلب نموده بیایند. همگی حاضر گردیده شرح خواب را به ایشان بیان فرمود ایشان عرض کردند که حقا بدون این تعلیم صورت نخواهد گرفت.

پس چون در روز جمعه نواب گیتی‌ستان به مسجد جامعه تبریز تشریف آورده، فرمود که تا مولانا احمد اردبیلی که یکی از اکابران شیعه بود بر سر منبر رفته و آن حضرت نیز شمشیر جهانگیری را برهنه نموده خود نیز چون آفتاب تابان بر سر منبر آمده مولانا احمد مشارالیه شروع به خطبه خواندن نمود. غلغله در میان خلق افتاد، اما

دو دانگ مردم شکر حضرت باری تعالی می‌کردند و باقی مردم هر که خواست که از جای خود حرکت کنند؛ جوانان قزلباش دور ایشان را فروگرفته حرکت نمی‌توانستند کردن.

اما چون خطبه خوانده شد نواب گیتی‌ستان شمشیر برهنه در دست گرفته که هر کس که تبرا نکند کشته خواهد شد پس تمامی خلق تبرا نموده لعن ... نمودند. پیش باد گفتند...»<sup>۱۳</sup>

این روایت ادامه هم دارد و آن این که شاه اسماعیل سوار بر اسب شده پیشاپیش وی درویش عشقی تبرایی تبریز در دست حرکت کرده تبرا می‌کرد تا شاه بر تخت سلطنت نشست و دستور داد فرمان‌هایی به اطراف و اکناف آذربایجان بنویسند و بفرستند که «هر کدام اطاعت نموده و تبرا کنند، خود حاکم بوده باشند والا صوفیان سر ایشان را از قلعه بدن جدا سازند...»<sup>۱۴</sup>

حسین‌بیک روملو به نکته جالب دیگری اشاره می‌کند که مهم است و آن حضور سادات و بزرگان تبریز در مراسم استقبال شاه اسماعیل صفوی است:

«روز دیگر علم عزیمت به طرف دارالسلطنه تبریز افراخت. سادات و اکابر آن بلده چون سعادت و اقبال استقبال نموده به شرف تقبیل انامل فیاض مفتخر و سرفراز شدند و مراسم نیاز و نثار به جا آوردند و آن حضرت در کمال عظمت در دارالسلطنه تبریز که مستقر سریر سلطنت و مرکز دایره خلافت پادشاهان عالی‌شان است استقرار فرمود...»<sup>۱۵</sup>

### سفینه تبریز و مذهب شیعه

از این واقعه آنچه در منابع روایت شده بود، در حد اختصار مرور شد. اغلب محققان بر این باور هستند که پیش از تأسیس این سلسله، بیشتر مردم ایران مذهب تسنن داشتند و جز شماری اندک از ایشان در چند مرکز سنتی شیعه مانند قم و سبزوار، پیرو مذهب شیعه نبوده‌اند و به قول حامد الگار «گرویدن مردم به کیش تشیع، در مرحله نخستین، با فشار و زجر و آزار سنگین میسر شده است.»<sup>۱۶</sup> و یا راجر سیوری محقق مشهور تاریخ صفویه هم عقیده دارد: «به رغم دو قرن تبلیغات صفویه، ترویج تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور خطرناک بود و بعضی از مشاوران اسماعیل از واکنش حاصل از این کار نگران بودند. آنها می‌گفتند: از سیصد هزار نفر، دویست هزار نفر مردم تبریز یعنی دو سوم سنی هستند ما می‌ترسیم بگویند فرمانروای شیعی نمی‌خواهند.»<sup>۱۷</sup>

در یکی دیگر از آخرین تحقیقاتی که در مورد زندگانی و آثار دیرپای اسماعیل انجام گرفته، به گونه‌ای کینه‌جویانه و نگاهی خصمانه این اقدام نشأت گرفته از «شور مذهبی و یا غرور جوانی» اسماعیل صفوی عنوان شده است که غرور ناشی از پیروزی‌های بزرگ او بر شروان شاه و الوند اندیشه و احساس او را فرا گرفته بود. پارسادوست با تکیه بر اقدامات خشونت‌آمیز شاه اسماعیل، بدون اشاره به سرگذشت دهشتناک شیعه تا این زمان، رواج تشیع در ایران و به ویژه آذربایجان را به «بی‌رحمی‌های سنگدلانه» قزلباش نسبت می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

آیا به راستی با توجه به این نکته که مراکز شیعه در مرکز و

شمال شرق ایران بوده است، چرا شاه اسماعیل صفوی تبریز- پایتخت حکومت سنی مذهب آق قویونلوها - را برای اعلام رسمیت مذهب شیعه انتخاب کرده است؟ آیا این اقدام بی سابقه، بدون زمینه‌های مستعد فکری و اجتماعی بوده، فقط به ضرب زور و خشونت انجام گرفته است؟

آیا همراهی دیوان سالاری ایرانی چون امیرزکریا کججی تبریز،<sup>۱۹</sup> و یا استقبال سادات و اکابر تبریز از شاه اسماعیل صفوی،<sup>۲۰</sup> در این اقدام بی تأثیر بوده است؟

خوشبختانه برای پاسخ این سؤالات و برای بررسی زمینه‌های فکری و فرهنگی این تغییر و تحول بزرگ، کتابی ارزشمند و گرانقدر؛ ایضا گران قیمت انتشار یافته که شایسته دقت و تحقیق بسیاری است و آن «سفینه تبریز» نام دارد.<sup>۲۱</sup>

سفینه تبریز که مجموعه ۲۰۹ رساله و مطلب مستقل است در نیمه اول قرن هشتم هجری قمری (۷۲۳-۷۲۱ هـ ق) یعنی حدود دو قرن پیش از تشکیل دولت صفوی به قلم یکی از نویسندگان پرکار و باسواد تبریز، ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی به نگارش درآمده است.

همان دو قرنی که راجر سیوری به آن اشاره می کند. این کتاب که از وجوه مختلف اهمیت دارد:

- نخستین اهمیت آن در آشکار ساختن زبان رایج آذربایجان در قرن هفتم و هشتم هجری است و فہلویات مندرج در آن قابل توجه است (رساله شماره ۱۲۴)

اهمیت دیگر این میراث ارزشمند، در مورد موسیقی آذربایجان است. تاریخ و ادبیات زبان فارسی در آذربایجان موضوع مهم دیگر این مجموعه است. زیرا گردآورنده قسمت عمده آثار شعری هم عصر خود را در این مجموعه ثبت کرده است. اهمیت دیگری سفینه تبریز در زمینه عرفان اصیل ایرانی است. متونی عرفانی که مورد مراجعه عرفای آن عصر بود، در این مجموعه درج شده است. این کتاب پر ارج در تاریخ ایران و آذربایجان هم اطلاعات ذی‌قیمتی دارد.

مهم‌ترین اهمیت این کتاب آن است که برای آشنایی زمینه‌های گرایش عمومی آذربایجانی‌ها - حداقل نخبگان علمی - به تشیع که به اعلام رسمیت مذهب شیعه دو قرن بعد منجر شد، منبع مهمی به شمار می‌رود. بدون تردید اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی در سال ۹۰۷ هجری قمری بدون بستر فکری و فرهنگی لازم، مخاطرات شدیدی می‌توانست داشته باشد. آنچه که مشاوران اسماعیل گوشزد کرده‌اند. در این مجموعه رسالات می‌توان این بستر فکری و فرهنگی را مشاهده کرد.

مؤلف رساله، ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی مذهب شافعی دارد (رساله شماره ۹) با این حال وی در مباحث مختلف حضور آموزه‌ها، آثار و تعلق خاطر به اهل بیت (ع) را در عصر خود در جامعه فرهنگی تبریز در بین علما و دانشمندان به نمایش گذاشته است. سیری در این سفینه از این منظر:

رساله اول این سفینه «انتخاب المصاییح» نام دارد که نگاشته یوسف‌بن علی حسن حسینی به عربی است و گزیده‌هایی از صحاح

**مهم‌ترین اهمیت این کتاب آن است که برای آشنایی زمینه‌های گرایش عمومی آذربایجانی‌ها - حداقل نخبگان علمی - به تشیع که به اعلام رسمیت مذهب شیعه دو قرن بعد منجر شد، منبع مهمی به شمار می‌رود**

اهل سنت است. در اواخر این گزیده، در باب مناقب اهل بیت (ع)، حدیث حوض کوثر و حدیث ثقلین و احادیث دیگری از شأن و مقام ایشان نقل کرده است. از این کتاب نامی و نسخه‌ای دیگر وجود ندارد (صفحه ۹۸ سفینه)

رساله پانزدهم «کتاب ادعیه ایام رمضان المبارک مرویه عن النبی صلوات الله و سلامه علیه» امیرالمومنین علی بن ابی طالب، رضی الله عنه، روایت کند از پیغامبر صلی الله علیه و سلم که بیاموزند دعاها و روزها، ماه رمضان... (صفحه ۹۹ سفینه)

رساله شانزدهم «کتاب کلمات امیرالمومنین علی رضی الله عنه» به عربی است، این رساله صد کلمه از سخنان علی علیه‌السلام است که ابوعثمان جاحظ بصری، در سال ۲۵۵ هجری قمری، گردآوری کرده است. (صفحه ۱۰۰ سفینه)

رساله پنجاه و چهار «کتاب الدعوات فی الاوقات» نام دارد. در اولین دعا می‌نویسد: «دعا الدین شب آدینه غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی صد بار الحمد و سیزده بار انا انزلنا، چون از نماز فارغ شود، هفت بار بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن هفت بار این دعا را بخواند...»

در دعا‌های دیگر این رساله هم عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» ذکر شده است. (صفحه ۲۴۷ سفینه) همچنین، رساله پنجاه و پنج که در «دعوات و افسون‌ها» است.

رساله یکصد و پنجاه و دو «کتاب اوصی‌العلی رضی الله عنه» وصایای پیامبر اکرم اسلام به امیرالمومنین علی (ع) که به عربی است (صفحه ۶۴۵ سفینه)

رساله یکصد و پنجاه و سه «کتاب وصیة علی لاتبه الحسن رضی الله عنهما» که این رساله هم به عربی و شامل دو صفحه کامل سفینه تبریز است (صفحه ۴۴۷-۴۴۶)

در ادامه رساله قبل، محمدبن مسعود تبریزی و رساله دیگر - رساله یکصد و پنجاه و چهار - «وصایای حضرت امیر (ع) به امام حسین (ع)» را درج کرده است (صفحه ۶۴۸) رساله یکصد و پنجاه و پنج «کتاب حکومات علی رضی الله عنه» متن این رساله به فارسی (صفحه ۶۴۸ سفینه)

رساله دویست و چهار سفینه تبریز «کتاب اختیارات ایام

الاسابع من مقاله امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه؛ این رساله به عربی است. (صفحه ۲۲۷) در کنار این رسالات که گواهی روشن بر آشنایی و ارادت علمای ایرانی به اهل بیت (ع) همزمان با شروع فعالیت خاندان صفویه است، تعداد قابل توجهی از رسایل خواجه نصیر طوسی متکلم و دانشمند مشهور شیعی در قرن هفتم هجری هم در این سفینه درج شده است. تفسیر سوره اخلاص، آغاز و انجام، فصل، اوصاف الاشراف، الزبده فی الهیته و ... (رساله‌های شماره ۸۳ الی ۹۰ صص ۴۰۰-۳۵۱) درج این آثار خواجه نصیر حکایت از آن دارد که خواجه چه میزان تأثیری در مجامع علمی بعد از خود گذاشته است. بر این اساس، می‌توان گفت شخصیت و آثار این متکلم پرآوازه شیعی در نصیح‌گیری تشیع در ایران تأثیر داشته است. در آثار نظم‌گزیده شده در سفینه هم، موارد متعددی از این گرایش وجود دارد که به فرصت مناسب‌تری واگذار می‌گردد. (صص ۵۴۳-۵۱۰).<sup>۲۲</sup>

### فرجام سخن

نگارش مجموعه سفینه تبریز، در اوایل قرن هشتم هجری در تبریز، با شروع حرکت طریقت صوفیه صفویه به اردبیل هم زمان است. طریقت صوفیه از روزگار شیخ صفی‌الدین تا روزگار حیدر، پدر شاه اسماعیل، دوره‌ای را پشت سر گذاشت و این طریقت طی این مدت<sup>۲۳</sup> از تسنن به تشیع روی آورد و توانست در میان عشایر ترک‌زبان آذربایجان، قفقاز و آناطولی - قزلباشان بعدی - پیروان زیادی به دست بیاورد.

در همین ایام در تبریز، در مجمع علمی و فرهنگی تبریز هم، این سیر در جریان بود. اگر این سفینه را کارنامه اندیشمندان تبریزی و گرایشات ایشان قلمداد کنیم و نویسنده آن را نماینده آنها و این سیر را در دو قرن بعد پیگیری کنیم، امیر زکریای کججی تبریزی وزیر شیعه شاه اسماعیل را خواهیم دید که بزرگان و سادات تبریز هم، هم سو با او به استقبال بیرون می‌آیند و متعاقب آن اعلام رسمیت مذهب شیعه را در مسجد جامع تبریز خواهیم دید. به عبارت دیگر، یک تغییر و تحول فرهنگی درونی که عامل بیرونی اقدام شاه نوجوان صفوی آن را نهایی می‌کند. هر چند نمی‌توان خشونت شاه اسماعیل صفوی و قزلباشان را کلاً نفی کرد؛ اما بایستی به یاد آورد او و قزلباشان فقط عامل اجرایی و عملیاتی این تغییر بوده‌اند. اعمال خشونت برای این کار تا حدی می‌توانست مؤثر باشد. اما، عامل اصلی رواج تشیع نیست. مقارن این عمل، گرایش عمومی ایرانیان به شیعه هم به حدی بود که به روایت منابع دست اول، یک سوم اهالی تبریز شیعه مذهب بوده‌اند.

نادیده گرفتن گرایش ایرانیان به تشیع و خاندان اهل بیت (ع) و نسبت دادن شیعه شدن ایرانیان فقط به زور و ضربه شمشیر، یا به عبارتی «بی‌رحمی‌های سنگدلانه» تحریف بخشی از تاریخ است. وقتی در اوایل قرن هشتم هجری یک گرایش چنین غالب به شیعه در سفینه تبریز مشهود است پر واضح است دو قرن بعد چه رشد تصاعدی خواهد داشت. در آغاز قرن هشتم هجری هم، مردم آذربایجان با شیعه

بیگانه نبوده‌اند می‌توان گفت رسمیت شیعه در ایران یک ضرورت تاریخی بوده است؛ نه اقدام خشونت‌آمیز مغرورانه شاه صفوی. ضمن اینکه، قبل از او و سلسله‌اش قراقویونلوها هم گرایشات شیعی داشته‌اند و در واقع اسماعیل اول در بستری مستعد و هموار به انجام رسید و بر این اساس بود که علی‌رغم هشدار مشاوران او، اعلام رسمیت در مسجد جامع تبریز بدون حادثه‌ای برگزار شد اگر مردم تبریز به زور شمشیر قزلباش تشیع پذیرفته بودند می‌بایست در ایام تصرف تبریز به دست سلیم عثمانی - ولو مدت کوتاهی - پس از نبرد چالدران، از تشیع رویگردان می‌شدند.

### فهرست منابع

- ۱- الگار، حامد؛ دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)؛ ترجمه ابوالقاسم سری؛ تهران، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۲- پاساردوست، منوچهر؛ شاه اسماعیل اول (پادشاهی یا انزهای دیر پای در ایران و ایرانی)؛ تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵.
- ۳- خواندنامیر، امیر محمود؛ تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب‌السیر) تصحیح و تحشیه محمد علی جراحی؛ تهران، نشر گستره، ۱۳۷۰.
- ۴- روملو، حسن‌بیک؛ احسن‌التواریخ؛ به سعی و اهتمام چارلس نارمن سیدن؛ (چاپ افست)، تهران، کتابخانه شمس، ۱۳۴۷.
- ۵- رویمر، ه - ر، و دیگران؛ تاریخ ایران دوره صفویان (پژوهش از دانشگاه کمبریج)؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۰.
- ۶- سام میرزا صفوی؛ تذکره تحفه سامی؛ به تصحیح و مقدمه رکن‌الدین فرخ؛ تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشار کتب ایران، بی‌تا.
- ۷- سیوری، راجر؛ ایران عصر صفوی؛ ترجمه کامبیز عزیزی؛ تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- ۸- عالم‌آرای شاه طهماسب صفوی (از مؤلف گمنام)؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- ۹- عبدی‌بیک شیرازی (نوید)؛ تکمله‌الخبر (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری)؛ با مقدمه و تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی؛ تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
- ۱۰- غفاری قزوینی، قاضی احمد؛ تاریخ جهان‌آرا (از روی نسخه عکسی استانبول که به همت استاد مینوی برای دانشگاه تهران تهیه شده)؛ به کوشش سید کاظم موسوی؛ تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۲.
- ۱۱- محمدبن مسعود تبریزی، ابوالمجد؛ سفینه تبریز؛ تاریخ کتابت ۷۲۱-۳ هجری قمری؛ چاپ عکس از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ با مقدمه‌های عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ۱۲- مستوفی، محمدحسن؛ زبده‌التواریخ؛ به کوشش بهروز گودرزی؛ تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۵.
- ۱۳- مطهری، مرتضی؛ خدمات مقابل اسلام و ایران؛ انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۵۹.

۱۴- نیکبخت، رحیم؛ بررسی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره عمرین خطاب؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهمن ۱۳۷۸.

۱۵- یوسف جمالی، محمد کریم؛ تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده امام به عنوان تنها مذهب رسمی؛ اصفهان، انتشارات امیرکبیر شعبه اصفهان، ۱۳۷۲.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. رومی، ر و دیگران؛ تاریخ ایران دوره صفویان؛ (پژوهش از دانشگاه کمبریج)؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران؛ انتشارات حامی؛ ۱۳۸۰؛ ص ۸۰.

۲. به تصحیح و مقدمه رکن‌الدین فرخ، تهران، شرکت چاپ و انتشار کتب ایران، بی‌تا، ص ۹.

۳. به عنوان نمونه: محمدمحسن مستوفی از نویسندگان اواخر دوره صفوی در زبده التواریخ نگاشته است: «... نزول اجلال دارالسلطنه تبریز فرمود سکه و خطبه به اسم ائمه طاهرین علیهم‌السلام کرده، مردم آن ولایت را که به مذاهب مختلفه بودند به مذهب اثنی‌عشری درآورد همگی به شرف تشیع مشرف گردید...» (به کوشش بهروز گودرزی؛ تهران؛ بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار؛ تهران؛ ۱۳۷۵؛ ص ۴۹).

۴. در این مورد استاد شهید مرتضی مطهری در مورد دلیل اصلی گرایش ایرانیان به خاندان اهل بیت می‌نویسد: «آنچه که بیش از هر چیز دیگر روح تشنه ایرانی را به سوی اسلام می‌کشاند، عدل و مساوات اسلامی بود. ایرانی قرن‌ها از این نظر محرومیت کشیده بود و انتظار چنین چیزی را نداشت ایرانیان می‌دیدند دسته‌های بدون هیچ‌گونه تعصبی عدل و مساوات اسلامی را اجرا می‌کنند و نسبت به آنها بی‌نهایت حساسیت دارند؛ خاندان رسالت پناهگاه عدل اسلامی مخصوصاً از نظر مسلمانان غیر عرب بودند...» (خدمات مقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۵۹، صص ۱۴۲-۱۲۰)

و نیز ر ک به: نیکبخت رحیم؛ بررسی مسائل سیاسی، اجتماعی اقتصادی ایران در دوره عمرین خطاب (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ بهمن ۱۳۷۸؛ فصل ششم فتح ایران و پیامدهای مذهبی، صص ۶۵۸-۶۵۷.

۵. امیرمحمود خواندمیر؛ تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب‌السیر) تصحیح و تحشیه محمدعلی جراحی؛ تهران؛ نشر گسترده؛ ۱۳۷۰؛ صص ۶۵۶-۶۵۷.

۶. تاریخ جهان‌آرا (از روی نسخه عکس استانبول که همت استاد مجتبی مینوی برای دانشگاه تهران تهیه شده) به کوشش سید کاظم موسوی؛ تهران؛ کتابفروشی حافظ؛ ۱۳۴۲؛ صص ۲۶۷-۲۶۶.

۷. عبدی بیک شیرازی (نویدی)؛ تکلمه الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری) با مقدمه و تصحیح تعلیقات عبدالحسین نوایی؛ تهران؛ نشر نی؛ ۱۳۶۹؛ صص ۳۸-۳۹ و ۱۷۳.

۸. منوچهر پارسادوست، شاه اسماعیل اول (پارشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار؛ ۱۳۷۵ ص ۲۷۷.

۹. عبدی بیک شیرازی، پیشین، ص ۴۱.

۱۰. تعلیمات عبدالحسین نوایی بر تکلمه الاخبار، ص ۱۷۴. به نقل از:

حبیب‌السیر، ج ۴، صص ۴۶۷-۴۶۸.

۱۱. برای اطلاع بیشتر ر ک به: عالم آرای شاه طهماسب (زندگی داستانی دومین پادشاه دوره صفوی) به کوشش ایرج افشار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰، یادداشت ایرج افشار، از این نمونه آثار به کتاب‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

- عالم آرای شاه اسماعیل، به کوشش علی‌اصغر منتظر صاحب.

- عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکر.

- جهانگشای خاقان به کوشش الله دتا مظفر در پاکستان.

۱۲. سؤالی که به ذهن می‌آید آن است که مگر سپاهیان شاه اسماعیل غیر از قزلباش بوده که مرید جان‌نثار اویند پس چرا برگردند؟ چنان که اشاره شد پیرایه‌های داستانی را نیاستی از نظر دور داشت. از جمله در همین مورد.

۱۳. اکنون هم در ایام محرم در روستاها و شهرهای آذربایجان مردم هنگام نوشیدن آب و شربت نذری بر زبان جاری می‌کنند «یزدیده لعنت، بیش باد، شمره لعنت، بیش باد» این جمله حکایت از آن دارد به روزگار شاه اسماعیل صفوی، زبان مردم آذربایجان ترکی آذری نبوده است، و این جمله دعایی فارسی میراث آن روزگار در زبان آذری رایج امروز آذربایجان است.

۱۴. یوسف جمالی، محمدکریم؛ تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان تنها مذهب رسمی؛ اصفهان؛ انتشارات امیرکبیر شعبه اصفهان؛ ۱۳۷۲؛ به نقل از عالم آرای شاه اسماعیل صفوی، ص ۵۹۶. (در فرصت کوتاه برای نگارش مقاله امکان مراجعه به متن عالم آرای شاه اسماعیل مقدور نشد).

۱۵. روملو، حسین بیک؛ احسن التواریخ؛ به سعی و اهتمام چارلس نارمن سیدن؛ (چاپ افست)؛ تهران؛ کتابخانه شمس؛ ۱۳۴۷؛ ص ۶۱.

۱۶. الگار، حامد؛ دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار) ترجمه ابوالقاسم سری؛ تهران؛ انتشارات توس؛ چاپ دوم؛ ۱۳۶۹؛ صص ۵۴-۵۳.

۱۷. سیوری، راجر؛ ایران عصر صفوی؛ ترجمه کامبیز عزیزی؛ تهران؛ نشر مرکز؛ چاپ نهم؛ ۱۳۸۰؛ ص ۲۶.

۱۸. پارسادوست، پیشین، صص ۲۸۰-۲۷۷.

۱۹. عبدی بیک شیرازی، پیشین، ص ۳۹.

۲۰. حسن بیک روملو، ص ۶۰.

۲۱. سفینه تبریز؛ به خط و گردآوری ابوالمحمد محمدبن مسعود تبریزی؛ تاریخ کتابت ۳-۷۲۱ هجری قمری چاپ عکس از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با مقدمه‌های عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی؛ تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۳۸۱؛ تعداد ۱۰۰۰ نسخه، این مجموعه ارزشمند آیینی‌ای است از وضع فرهنگی تبریز و باشکوه‌ترین دوران حیات خود یعنی نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری.

۲۲. مناسب است از زحمات طاقت‌فرسای نصرالله پورجوادی و استاد حائری به جهت انتشار این متن مهم و ارزشمند مسئولین ذی ربط علمی و فرهنگی تبریز چون اداره ارشاد، دانشگاه تبریز، استانداری به شکلی تقدیر و سپاسگذاری نمایند زیرا در طول تاریخ آذربایجانی‌ها مردمانی قدردان و حق شناس بوده‌اند.

۲۳. به قول دکتر یوسف رحیم‌لو استاد صاحب نام صفویه‌شناس تبریزی «دوران تدارک صبوره»